



راهنمای مدیریت بلایا

مبثنی بر اجتماعات محلی

انجمن دوستداران کودک کرمان



نشر قطره

سلسله انتشارات

نشر قطرہ - ۱۱۱۱

علوم اجتماعی - ۶۱



نشر قطرہ

عنوان و نام پدیدآور:	راهنمای مدیریت بلایا: مبنی بر اجتماعات محلی محلی / پدیدآورنده انجمن دوستداران کودک کرمان؛ گروه همکاران رویا اخلاص پور، دکتر سیامک زندرضوی، لایلا یحیی زاده
مشخصات ناشر:	تهران، نشر قطره، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری:	۴۴ ص.
فروست:	سلسله انتشارات نشر قطره؛ ۱۱۱۱. علوم اجتماعی؛ ۶۱
شابک:	978-600-119-081-0
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
موضوع:	بلاهای طبیعی - پیش بینی های ایمنی
شناسه افزوده:	اخلاص پور، رویا، ۱۳۴۷ -
شناسه افزوده:	زندرضوی، سیامک، ۱۳۳۵ -
شناسه افزوده:	یحیی زاده، لیلی
شناسه افزوده:	انجمن دوستداران کودک کرمان
رده بندی کنگره:	۱۳۸۸ / ۲۱ ر / ۵۰۱۸ GB
رده بندی دیویی:	۳۶۳/۳۴
شماره ی کتابشناسی ملی:	۰۵۶۵۴۹۱

شابک: ۰۰-۰۸۱-۱۱۹-۶۰۰-۹۷۸-۹۷۸-۶۰۰-۱۱۹-۰۸۱-۰۰ ISBN: 978-600-119-081-0

راهنمای مدیریت بلایا

مبتهی بر اجتماعات محلی

پدیدآورنده

انجمن دوستداران کودک کرمان



نشرقطره

راهنمایی مدیریت بلایا

پدیدآورنده: انجمن دوستداران کودک کرمان

چاپ اول: بهار ۱۳۸۹

لیتوگرافی: طاووس رایانه

چاپ: نیکا

تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه

بها: ۱۵۰۰ تومان

حق چاپ برای نشرقطره محفوظ است.

خیابان فاطمی، خیابان ششم، پلاک ۳ - دورنگار: ۸۸۹۶۸۹۹۶

۸۸۹۷۳۳۵۱-۳ و ۸۸۹۵۲۸۳۵ و ۸۸۹۵۶۵۳۷

صندوق پستی ۲۸۳ - ۱۳۱۴۵

www.nashreghatreh.com

nashreghatreh@yahoo.com

Printed in The Islamic Republic of Iran

فهرست

۷	پیش‌گفتار.....
۹	مقدمه.....
۱۱	فصل اول: اجتماع محلی چیست؟.....
۱۱	مدیریت بلایای طبیعی مبتنی بر اجتماع محلی.....
۱۴	اجتماع محلی Community.....
۱۹	تجربه‌ی اجتماعات محلی در ایران.....
۲۸	تسهیلگر اجتماعی.....
۳۳	فصل دوم: پیشنهاد یک برنامه‌ی اجرایی: همسایگان آماده باشید.....
۳۳	قدم اول: مشخص کردن تاریخ جلسات.....
۳۴	قدم دوم: با همسایگان تماس بگیرید.....
۳۶	قدم سوم: یک جلسه را برنامه‌ریزی و هدایت کنید.....
۳۹	سایر مواردی که بایستی در نظر گرفته شود.....
۴۰	قدم چهارم: جلسات بعدی را پیگیری کنید.....
۴۰	رهبری برنامه.....
۴۱	تفویض اختیارات به افراد دارای منابع و مهارت.....
۴۱	ارزیابی نیازها.....
۴۲	قدم‌های بعدی.....
۴۳	منابع بیشتر برای مطالعه.....

گروه همکاران:
رویا اخلاص پور
دکتر سیامک زنده‌رضوی
لیلی یحیی‌زاده

پیش‌گفتار

وقوع زلزله، حتی زلزله‌های مرگبار، متأسفانه در ایران امری عادی است، به طوری که در فاصله‌ی دو زلزله‌ی فاجعه‌بار بسم و رودبار، ده‌ها زلزله در نقاط مختلف ایران به وقوع پیوسته است که هر کدام از ۵ تا ۵ هزار کشته داشته است. سازمان‌های غیردولتی و بشردوستانه برای مداخله در بحران و التیام بخشیدن به مردم آسیب‌دیده در عرصه‌های مختلف فعالیت می‌کنند. زلزله‌ی بم برای انجمن دوستداران کودک که هدف اصلی خود را ترویج پیمان‌نامه‌ی حقوق کودک و گسترش آموزش‌های انسان‌گرا و خلاق و حمایت از کودکان آسیب‌دیده می‌داند، فرصتی را فراهم کرد تا اعضای آن بتوانند در روند ترمیم و مراقبت از کودکان فعالیت کنند و با برنامه‌های خود مانع تأثیر مخرب رویدادهای آسیب‌زا بر روند رشد کودکان شوند.

پس از وقوع حادثه، انجمن دوستداران کودک در قالب گروهی متشکل از ۱۲ سازمان غیردولتی تحت عنوان «ستاد مراقبت از کودکان» وارد بم شد و به‌طور مستمر در عرصه‌های آموزشی و اطلاع‌رسانی فعالیت کرد.

کار مشترک، خواندن و مشاهده‌ی تجربیات دیگران، این دیدگاه را که بایستی هدف اساسی «بازتوانی و توان‌افزایی جامعه‌ی محلی (از جمله کودکان) به گونه‌ای باشد که دیدگاهی پیشگیری‌محور، کلیت‌گرا و مبتنی بر جامعه» تقویت شود و نقش آژانس‌های کمک‌رسانی بیرونی کاهش یابد را در انجمن تقویت کرد. بدیهی است که این امر تنها با مشارکت فعال و درگیر کردن کلیه‌ی ذی‌نفعان در جریان کار به دست می‌آید.

انجمن دوستداران کودک توانست با شرکت در برنامه‌های آموزشی، برگزاری کارگاه‌های آموزشی، همکاری فعال با مردمان و درگیر شدن در پروژه‌های کودک‌محور همراه با پژوهش‌های مستمر به تجربیات ارزشمندی دست یابد؛ این تجربیات هم‌اکنون مکتوب شده است؛ برخی از این مکتوبات معرفی‌تئوری‌های مدیریت بلایای مبتنی بر اجتماع و کودک‌محور و برخی دیگر ترکیبی از تجربه‌ی انجمن در استان کرمان و به ویژه بم و تجربه‌ی جهانی است.

مکتوب شدن این تجربیات فرصتی را فراهم می‌کند که نظرات مبتنی بر آن نقد و بررسی شود و در وضعیتی که ما همواره در مواجهه با خطرات حاصل از حوادث طبیعی، اجتماعی یا زیست‌محیطی قرار داریم، امکان پیشگیری و حل بهتر مسائل فراهم شود.

گروه پژوهش انجمن دوستداران کودک کرمان

مقدمه

همه‌ی ما آرزو داریم در جهانی زندگی کنیم که حوادث طبیعی در آن آسیب‌رسان نباشد یا حداقل آسیب‌های کمی داشته باشد و پیامد این حوادث برای ما فاجعه‌آمیز نباشد. در طول تاریخ، بشر تلاش کرده است که حوادث پیرامون خود را به اشکال مختلف مدیریت کند و به این ترتیب، بقا و پایداری نسل خود و دستاوردهای آن را حفظ کند. از سوی دیگر همه می‌دانیم که قدرت کنترل بسیاری از حوادث طبیعی را نداریم، آن‌ها اتفاق می‌افتند و حتی در بسیاری موارد ما نیازمند این اتفاقات برای تداوم زندگی هستیم؛ داستان گسل‌ها و قنوات در سرزمین ما که دو روی سکه‌ی زلزله و آب است، می‌تواند مثال خوبی برای این مسئله باشد.

بنابراین ما با مفهوم «حادثه» و «اتفاق»^۱ سر و کار داریم و از سوی دیگر این حادثه می‌تواند به یک «فاجعه»، «بلا» و «بحران»^۲ تبدیل شود؛ در حقیقت وقتی حادثه با جمعیت انسانی آسیب‌پذیر گره می‌خورد تبدیل به «بلا» و «فاجعه» می‌شود. هر روزه در سراسر جهان زلزله،

1. Hazard
2. Disaster

آتش فشان و... اتفاق می‌افتد، بسیاری از این حوادث در مناطق غیرمسکونی یا در مناطقی که آسیب‌پذیری کمی دارد به وقوع می‌پیوندد، بنابراین تبدیل به فاجعه نمی‌شود؛ از سوی دیگر همه‌ی حوادث، طبیعی نیست، بسیاری از آن‌ها به وسیله‌ی انسان‌ها ساخته می‌شود و در نتیجه‌ی عدم مدیریت درست به فجایعی تبدیل می‌شود که به زندگی مردمان آسیب می‌رساند. گرمایش زمین، جنگل‌زدایی، فعالیت‌های هسته‌ای و جنگ طلبانه، مصرف روزافزون منابع حیاتی مانند آب از جمله عواملی است که امکان بروز بلایای ظاهراً طبیعی مثل سیل، لغزش زمین و خشک‌سالی را بیش‌تر می‌کند. بنابراین امکان جلوگیری از پیشامدهای طبیعی برای انسان‌ها وجود ندارد، آنچه در توان ماست، تلاش برای مدیریت و کاهش خطرات است. بی‌شک برای کاهش خطرات، رویکردهای گوناگونی وجود دارد، اما آنچه ما می‌دانیم و به آن باور داریم و در عین حال تجربیات جهانی آن را دنبال کرده‌ایم و روش‌های بومی خود را نیز آزموده‌ایم، رویکردهایی تحت عنوان «مدیریت بلایا مبتنی بر اجتماعات محلی» مؤثرترین روش است. این رویکرد در دنیا تحت عنوان CBDM^۱ شناخته می‌شود.

فصل اول

اجتماع محلی چیست؟

مدیریت بلایای طبیعی مبتنی بر اجتماع محلی

سازمان‌های غیردولتی در فعالیت‌های بشردوستانه در طی دهه‌ی ۹۰ به مدیریت «اجتماع محور» به عنوان رویکرد مدیریت بلایای طبیعی توجه کردند. سازمان‌های غیردولتی متوجه شدند که ظرفیت جامعه‌ی محلی و درجه‌ی آسیب‌پذیری آن‌ها اهمیت دارد و برخی از این سازمان‌ها فعالانه این دیدگاه را پذیرفتند که «بهبود زندگی مردم آسیب‌دیده تنها از طریق بسیج توانایی‌های خود آنان امکان‌پذیر است». تجربیات و مشاهدات نشان می‌دهد که ساکنان مناطق آسیب‌دیده، بزرگ‌ترین منبع بالقوه‌ی دانش بومی در موقعیت بحران هستند، آنان اولین کسانی هستند که در نخستین ساعات بحران به حادثه واکنش نشان می‌دهند و تا آخر نیز برای بازسازی تلاش می‌کنند.

زلزله‌ی بم در پنجم دی ماه ۱۳۸۲ (۲۶ دسامبر ۲۰۰۳) اتفاق افتاد، مردم آسیب‌دیده حداقل ۲۴ ساعت از همه‌ی کمک‌های خارج از منطقه بی‌بهره بودند و می‌توان گفت که حداقل نجات جان ۸ هزار مجروح و مانده زیرآوار در این ۲۴ ساعت مدیون تلاش ساکنان منطقه است. در ۲۴ ساعت و حتی ۴۸ ساعت اولیه، همه‌ی امکانات محدود به منطقه بود، اما افراد هیچ آموزش و مهارتی را قبل از آن برای پیشگیری و امداد نیاموخته بودند و بنابراین حادثه به بدترین شکل ممکن تبدیل به فاجعه‌ی تمام‌عیار انسانی شد.

برای این‌که این رویکرد را بشناسیم، در درجه‌ی اول بایستی بدانیم معنی آن در ادبیات جهانی چیست و سپس به جست‌وجو برای فهم انواع روش‌ها و مکانیسم‌های بومی آن پردازیم، ظرفیت‌های آن را در جامعه‌ی خود بشناسیم و آن را تقویت کنیم؛ در حقیقت هیچ‌الگوی از پیش تعیین‌شده‌ای برای یک جامعه‌ی معین وجود ندارد، آنچه هست ظرفیت‌های واقعی است که باید تقویت شود و حس تعلق به آن پدید آید. در غیر این صورت این رویکرد مفهوم واقعی خود، یعنی «اجتماع‌محوری» و «تکیه بر جامعه‌ی محلی» را از دست می‌دهد و همواره علامت سؤالی بر پایداری آن باقی خواهد ماند.

پس از زلزله‌ی بم تعدادی از سازمان‌های غیردولتی که با این رویکرد آشنا بودند آن را به برنامه‌های خود پیوند زدند. اما اغلب تنها حاصل آن برگزاری چندین کارگاه آموزشی بود که با حضور تعدادی از اهالی شهر یا روستا و محله برگزار می‌شد و بنابراین هیچ پیوند درازمدتی میان اعضای شرکت‌کننده برای تداوم برنامه‌ی پیشنهادی وجود نداشت. یکی از بهترین برنامه‌ها، برگزاری کارگاه «آموزش مسکن» بود که با همکاری UNDP و آژانس توسعه و هم‌باری سوییس در تاریخ ۸ مرداد ۸۳ برگزار شد. افراد زیادی با علاقه در آن شرکت کردند و پیشنهادات بسیار جالب و ارزشمندی برای ساخت مسکنی مقاوم، با طراحی بومی طی فرایندی شفاف داده شد. اما همه‌ی ماجرا در همان کارگاه آموزشی آغاز و به پایان رسید و بعدها نشانه‌ای از تداوم این ایده‌ها مشاهده نشد.

به نظر می‌رسد بسیاری از مردم از شدت بلایایی که ممکن است با آن مواجه شوند اطلاع چندانی ندارند و همیشه پیامدهای حادثه را کم‌تر از حد واقعی پیش‌بینی می‌کنند و از سوی دیگر توان خود را برای مقابله با آن بیش از حد تخمین می‌زنند و غالباً به کمک‌های بیرونی و فوری برای مواجهه با حوادث غیرمترقبه دل می‌بندند. درعین حال در بسیاری از جوامع، به ویژه جوامع در حال توسعه و آسیب‌پذیر یک بینش فرهنگی برای پذیرش و تسلیم در برابر حادثه وجود دارد و در بسیاری مواقع آن‌ها ناتوانی خود را به «خواست خدا» مربوط می‌کنند. این روحیه، مانع رشد دیدگاه «پیشگیری محور» می‌شود و بدیهی است که با چنین دیدگاهی توانایی مقابله کاهش می‌یابد و آسیب‌پذیری خطرات شدت می‌گیرد. به همین علت بسیاری از سازمان‌های غیردولتی و ارگان‌های درگیر در بحران که برای تغییر این دیدگاه تلاش می‌کنند «آگاهی عمومی و برنامه‌های اطلاع‌رسانی» را اولویت اصلی خود اعلام می‌کنند.

ایران یکی از زلزله‌خیزترین کشورهای جهان به‌شمار می‌رود و تقریباً در هر دهه با زلزله‌های فاجعه‌باری روبه‌رو شده است. اما پس از زلزله‌ی بم، تلاش برای آموزش و آگاه‌سازی مردم افزایش یافت. شهرداری‌ها، هلال احمر، پژوهشگاه زلزله و مرکز مطالعات مدیریت بحران کرمان از جمله مراکزی هستند که برای آموزش مهارت‌های مقابله با بحران فعالیت می‌کنند. در این راستا، بین همه‌ی این گروه‌ها آموزش دانش‌آموزان از اولویت‌ها بوده است.

مردم می‌توانند به صورت انفرادی یا در گروه‌های بزرگ و کوچک آموزش ببینند یا از طریق رسانه‌ها به آن‌ها اطلاع‌رسانی شود. اما اگر باور داشته باشیم که «مدیریت مبتنی بر اجتماع محلی» چارچوب درست و

مناسبتی برای مدیریت بلایا و خطرات است، بدیهی است که بایستی بخش مهمی از تلاش‌های ما در این چارچوب انجام شود. سازمان‌های غیردولتی معتقد به رویکرد اجتماع‌محور، تلاش کرده‌اند که نقش خود را از فعالیت مستقیم در حوادث به آموزش مشارکت در اجتماعی محلی و بالا بردن توان اجتماع محلی در برنامه‌ریزی، ارزیابی، آسیب‌پذیری و مدیریت خطر تغییر دهند. برای شناخت این نوع مدیریت قبل از هر چیز لازم است که با مفهوم «اجتماع محلی» آشنا شویم.



اجتماع محلی^۱

معنای این کلمه در تاریخ علم اجتماعی چیست؟ این کلمه ظاهراً واژه‌ی چندان آشنایی در فرهنگ ما نیست. شاید پس از شناخت آن درک کنیم که چرا آموزش‌دهندگان و تسهیلگران اجتماعی به این مفهوم

1. Community

علاقه‌مند هستند. این واژه برای اولین بار در سال ۱۹۱۰ وارد ادبیات علوم اجتماعی شد و توسط جامعه‌شناسی به نام سی. جی. گالفین (C.J. Galpin) برای مشخص کردن جوامع روستایی‌ای استفاده شد که به یک روستای مرکزی خدمات تجاری ارائه می‌دادند.

در حال حاضر برای تعریف آن از سه مبنا استفاده می‌شود:

۱. مکان: جایی است که مردم در آن زندگی می‌کنند و مختصات جغرافیایی، عنصر مشترک بین آن‌ها محسوب می‌شود، نام دیگر آن می‌تواند محله، محل، زیست‌بوم (locality) باشد.

۲. علایق و منافع مشترک: این ویژگی‌ها در اجتماعات انتخابی به چشم می‌خورد. افراد در ویژگی‌هایی غیر از مکان، با هم سهیم هستند. آن‌ها با عواملی بر اساس باورهای مذهبی، شغلی، قومی، گرایش‌های جنسی و... به هم می‌پیوندند. در چنین مواردی می‌توانیم از «اجتماع یزدی‌های مقیم تهران» یا «اجتماع زرتشتیان»، و... صحبت کنیم. این مفهوم جنبه‌ی مهمی از زندگی در عصر مدرن را نشان می‌دهد، یعنی گروه‌هایی که به صورت انتخابی و هدفمند در کنار یک‌دیگر قرار می‌گیرند.

۳. مشارکت و یگانگی در پذیرش مفاهیم: این مفهوم بُعد ماورای طبیعی دارد، یعنی علاوه بر ارتباط میان مردم، ارتباط با سایر پدیده‌ها را نیز دربر می‌گیرد.

هنوز این سؤال باقی است: «چرا آموزشگران و تسهیلگران اجتماعی به این مفهوم علاقه‌مندند؟» به نظر می‌رسد در این مفهوم نوعی ارزش نهفته باشد و در آن عناصر باارزشی مانند همبستگی، تعهد، اعتماد و عمل متقابل کنار هم قرار می‌گیرند. این مفهوم می‌تواند نقشی اساسی در حس تعلق افراد بازی کند.

مرزهای یک اجتماع محلی چگونه مشخص می‌شود؟ چه چیز شروع

و پایان آن را نشان می‌دهد؟ مرزها می‌توانند به وسیله‌ی یک نقشه (سیاسی، شهری، قانونی، طبیعی مثل رودخانه، کوه، جاده) مشخص شود. بعضی از مرزها شغلی است، شامل افرادی که در حرفه یا در مکانی خاص کار می‌کنند بعضی از مرزها فکری است و فقط می‌تواند در ذهن افراد وجود داشته باشد، مانند مرزهای مذهبی یا علایق فرهنگی. ما در این مجموعه علاقه‌مند هستیم که افراد را بر مبنای مکانی مشترک درون مجموعه‌ی «اجتماع محلی» قرار دهیم. اما آیا ضرورتاً مردمی که نزدیک هم زندگی می‌کنند یا علایق مشترکی دارند، برای بهبود زندگی فعالیت‌های مشترکی انجام می‌دهند؟ در برخی مواقع این‌طور نیست.

در کارگاهی آموزشی که در بیمارستان آیت‌الله کاشانی کرمان توسط انجمن دوستداران کودک با هدف ترویج «مدیریت بلایای طبیعی مبتنی بر اجتماعات همسایگی» تشکیل شد، از شرکت‌کنندگان در خواست شد که با استفاده از روش کشیدن نقشه‌ی^۱ همسایگی نشان دهند که چه قدر با همسایگان خود ارتباط دارند. تقریباً نیمی از افراد ارتباطات بسیار کمی با همسایگان داشتند و روابط متقابل همسایگان در محله‌های جدید در مقایسه با محلات قدیمی به مراتب کم‌تر بود.

در حقیقت یکی از جنبه‌های پرمعنی اجتماع محلی، ارتباطات متقابل میان افراد و برقراری شبکه‌های اجتماعی است. معمولاً افراد به نزدیک‌ترین شبکه‌های اجتماعی خود یعنی خانواده و دوستان بیش‌ترین حس تعلق را دارند (در ایران روابط خویشاوندی در اولویت قرار دارد) و پس از آن می‌توان از محیط کار، همسایگی، زندگی شهری (این نوع روابط در کشور ما ضعیف‌تر است) نام برد؛ ما به شبکه‌ای از روابط

احتیاج داریم، این شبکه به ما کمک می‌کند که برای خود هویت و فردیت مستقل بسازیم و از طریق آن به تقاضای هر روزه‌ی زندگی و احتمالاتی که پیش می‌آید پاسخ دهیم. معمولاً برای شناخت شبکه‌های اجتماعی سه معیار وجود دارد:

۱. دسترسی به خویشاوندان نزدیک.
۲. سطح ارتباط تنگاتنگ با خانواده، دوستان و همسایه.
۳. سطح رابطه‌ی متقابل با گروه‌های داوطلب و اجتماعی (همکاران و...).

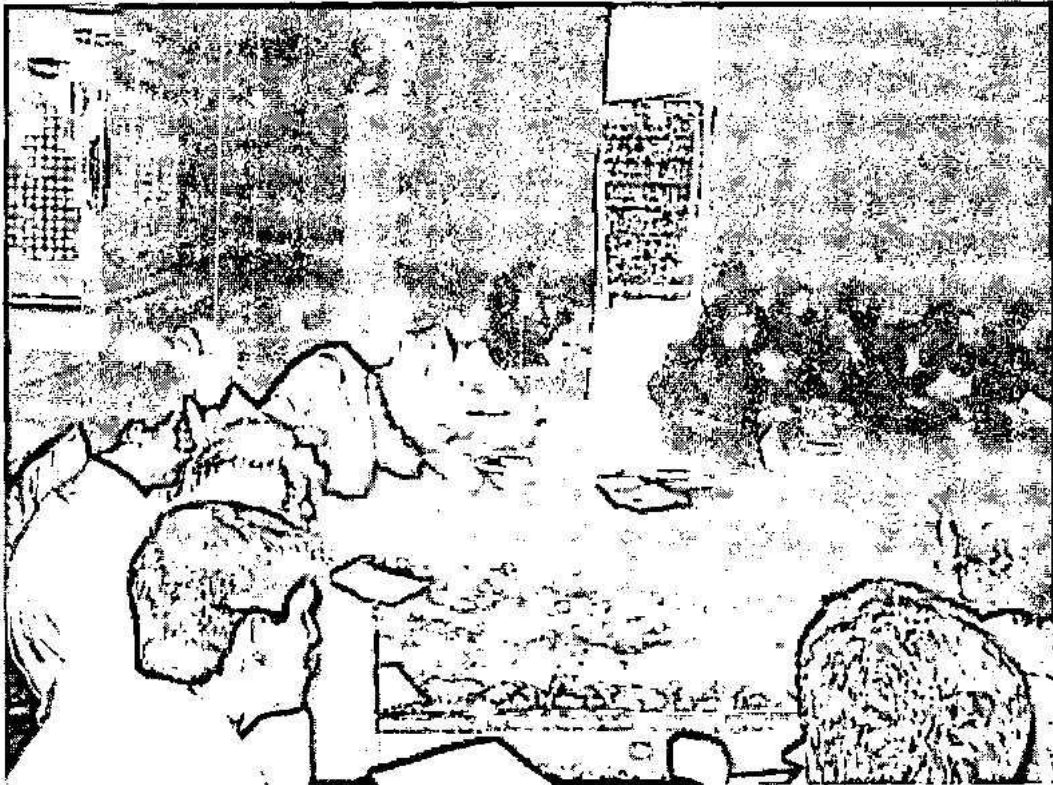
بر این اساس می‌توان ۴ نوع شبکه‌ی حمایتی را تعریف کرد:
* شبکه‌ی حمایتی خانواده‌مدار و محلی: یعنی ارتباط با خویشاوندان نزدیک که در همسایگی و نزدیک به یک‌دیگر زندگی می‌کنند.

در شهرهای کوچک و مناطق روستایی، شبکه‌ی حمایتی خانواده‌مدار از قوی‌ترین شبکه‌های اجتماعی به‌شمار می‌رود. مطالعات انجام شده در سطح استان کرمان، به ویژه پژوهش‌های مشارکتی در بم و در سطح شورایی‌های محله‌ای، نشان می‌دهد که این شبکه در هنگام خطر، اولین و مهم‌ترین حمایت‌کننده به‌شمار می‌رود و پس از آن نیز اعضای این شبکه غالباً تا مرحله‌ی التیام و کاهش خطر و بازسازی در کنار یک‌دیگر باقی می‌مانند.

* شبکه‌ی حمایتی پیوسته در محل: شامل خویشاوندان هم‌مکان، دوستان و همسایه‌هاست. این شبکه در شهرهای متوسط به چشم می‌خورد.

* شبکه‌ی حمایتی کاملاً محلی «مبتنی بر مکان»: معمولاً شامل همسایه‌ها می‌شود و کم‌تر مربوط به خویشاوندان است. این شبکه در

شهرک‌های حاشیه‌ای (دور از مراکز شهری)، مناطق صنعتی، شهرک‌های جدید، شهرک‌هایی که افراد معمولاً در یک صنعت یا یک فعالیت مشغول به کار هستند به چشم می‌خورد، این شبکه نیز می‌تواند برای خانواده‌هایی که به دلیل اشتغال، مهاجرت کرده‌اند به عنوان یک شبکه‌ی قوی حمایتی عمل کند.



* شبکه‌ی حمایتی متمرکز که در چارچوب اجتماعی بزرگ‌تر قرار دارد: لازمه‌ی داشتن چنین شبکه‌ای، درگیر شدن در سطح بالایی از فعالیت‌هایی اجتماعی است که بدین ترتیب می‌تواند شمار بزرگ‌تری از دوستان، خویشاوندان، همکاران و همسایگان را شامل شود. به نظر می‌رسد برای آن‌که بتوانیم درون یک اجتماع زندگی کنیم حداقل به سه ویژگی نیاز داریم:

۱. بردباری: سعی صدر نسبت به دیگران، تحمل آرای متفاوت آنان، وجود یک کنجکاوی همراه با احترام و تمایل به گوش دادن و یاد گرفتن.

۲. مبادله‌ی متقابل: به این معنا که «من این کار را برای شما انجام خواهم داد بدون آن‌که انتظار داشته باشم شما فوراً آن را برای من جبران کنید، حتی شاید شما ندانید، اما اطمینان دارم راهی وجود دارد که نتیجه‌ی آن را به من باز خواهد گرداند.»

تو نیکی می‌کن و در دجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز
۳. اعتماد: اعتماد به دیگران به معنای آن نیست که همه شایسته‌ی اعتماد هستند و به این معنا هم نیست که قضاوت‌های انتقادی خود را نداشته باشیم. اعتماد به معنای باور همکاری دیگران با ما برای پیشبرد امور است، این باور به افراد اجازه‌ی مشارکت و پیشرفت می‌دهد.

تجربه‌ی اجتماعات محلی در ایران

استلاری نود^۱، نماینده‌ی ACF (مبارزه علیه گرسنگی) در بم، در گزارش نیازسنجی خود درباره‌ی برگزاری جلسات اجتماع محلی (پروژه‌ی شورایی) می‌نویسد: «هسته‌ی مرکزی اجتماعات محلی، برگزاری جلسات بود. در طی جلسات نیازها بیان و اولویت‌بندی می‌شد، برای ارائه‌ی درخواست‌ها، نامه‌هایی به مقامات محلی نوشته می‌شد. هرچند ایده‌ی برگزاری چنین جلساتی برای اجتماعات به نظر ساده می‌آمد، اما آشکارا مدرکی دال بر تجربه‌ی چنین جلساتی در میان مردمی که تنها با پیوندهای خویشاوندی به هم گره می‌خوردند، وجود نداشت. آن‌ها هرگز اجتماعات مبتنی بر پیوندهای مکانی و همسایگی نداشته‌اند و برای آن‌ها تصمیمات از بالا به پایین گرفته شده است.»

آیا ما در تاریخ اجتماعی شهر و کشور خود مثال‌هایی برای این نوع شبکه‌های پایدار سراغ داریم؟

مطالعات و پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در بسیاری از نقاط ایران از جمله استان کرمان، نهادهای مشارکتی سنتی «بنه» حراثه... در سطح

روستاها به منظور حفظ سازمان تولید اجتماعی فعال بوده است. مبنای اجتماع مردم «واحد کار»، همسایگی مشترک و مدیریت منابع تولید بوده است؛ به ویژه در مناطقی مانند کرمان که منابع آبی غالباً آب زیرزمینی (قنات) بوده است، همواره نگره‌داری این منابع آبی مستلزم هزینه‌ی زیادی بوده است، بنابراین در گذشته قنات‌ها غالباً از سوی مالکان بزرگ اداره می‌شد، در برخی مناطق که قنات متعلق به کشاورزان خرد بود، برای تعمیر قنات و هماهنگی لازم مالکان تصمیمات جمعی می‌گرفتند، معمولاً سؤال این است آیا این واحدها، اجتماع محلی محسوب می‌شوند؟

برخی از پژوهشگران بر این باورند که چون برای تشکیل این جلسات، برنامه‌ریزی منظمی وجود نداشته و فقط اعضای آن‌ها از سر اضطرار دور هم جمع می‌شدند، نمی‌توان این گروه‌ها را به عنوان اجتماع محلی منسجمی در نظر گرفت، اما بی‌شک شبکه‌ای حمایتی از روابط بر مبنای منافع مشترک وجود دارد.

مثال دیگر عشایر کوچ‌رو در ایران است که در گروه‌های همسایگی گرد هم می‌آیند و زمان ورود به بیلاق، قشلاق و سایر امور را با هم هماهنگ می‌کنند. در مناطق مختلف ایران این گروه‌های همسایگی به نام‌های مختلف مانند «مال»، «احشوم» و... خوانده می‌شوند. این نوع مشارکت‌های سستی را در عرصه‌ی روابط خویشاوندی نیز می‌توان جست‌وجو کرد. گرد هم آمدن در این سطح «موقت» است و به مناسبت‌های معین پدید می‌آید و پس از آن از بین می‌رود تا زمان مناسب جدید فرا رسد. گستره‌ی آن محدود به افراد ساکن در آن ده یا منطقه‌ی عشایری نیست و به شهرها و استان‌های دیگر تا جایی که خویشاوندان حضور دارند، کشیده می‌شود. مثال‌های آن در استان کرمان عبارتند از:

* مراسم عروسی و پرداخت بذل (هدیه نقد).
* ساخت بناهای مذهبی و مراسم مذهبی و همراهی و مساعدت در اجرای آن.

* توافق برای دوشیدن دامها و نوبت چوپانی به تناسب تعداد اعضا.
* صندوق قرض الحسنه‌ی دوره‌ای.

علاوه بر این مشارکت‌های سنتی که تا به امروز نیز دوام داشته است، در سده‌ی اخیر شهرهای ایران و به‌طور خاص شهر کرمان تجربیات محدودی را در عرصه‌ی مشارکت اجتماعی امروزین مشاهده کرده‌اند، انجمن‌های محله‌ای در دهه‌ی ۱۳۲۰-۱۳۳۰ را می‌توان نمونه‌هایی از این نوع مشارکت قلمداد کرد.

به نظر می‌رسد در تاریخ و جامعه‌ی ما الگوهای از اجتماع محلی بر مبنای همسایگی یا منافع و علایق مشترک وجود داشته است که با الگوی موردنظر در این مجموعه متفاوت است. در بسیاری موارد این اجتماعات محلی با الگوی مشارکت سنتی اداره می‌شده است «الگوی سنتی مشارکتی» به نوعی مشارکت گفته می‌شود که در آن مردم توسط ریش‌سفیدان و قدرت‌مندان محلی سازمان‌دهی می‌شوند. اهداف مشارکت در قالب سنت‌های همکاری در عرصه‌ی اجتماعی تعریف می‌شده است. تعارضات و اختلافات گروه‌های ذی‌نفع در قالب کدخدامنشی، حل و فصل یا سرکوب می‌گردیده است. هدف، اجرای فرامین رهبران سنتی و بزرگان محلی بوده و مشارکت صرفاً در سطح اجرایی بوده است.

پس از زلزله‌ی ۱۳۸۲ در بزم فرصتی فراهم شد تا سیامک زند رضوی جامعه‌شناس و عضو هیئت علمی دانشگاه کرمان با بهره‌گیری از ایده‌ی شورایاری دکتر پرویز پیران، نوعی روش سازمان‌دهی محلات را بر پایه‌ی شبکه‌های موجود همسایگی و خویشاوندی پایه‌ریزی کند. برنامه‌ای به شورای اجتماعی استان و شورای شهر بزم پیشنهاد شد و مورد تأیید قرار گرفت، بر اساس ارزیابی‌های میدانی که در منطقه انجام شده بود، اعضای هر ۳۰ تا ۴۰ خانوار که قبل از زلزله، شبکه‌ی اجتماعی قوی‌تری داشتند و پس از آن در مجاورت یک‌دیگر زندگی می‌کردند، تشویق شدند که در میان خود یک شورایار زن و یک شورایار مرد انتخاب کنند و هم‌زمان بر اساس نتایج کارگاه‌های مسئله‌یابی سریع، گروه‌های کاری را که متناسب با مسائل فوری آنان بود تعریف کنند. شورایاران منتخب نیز در سطح شهر، به طور داوطلبانه در گروه‌های کاری همانند اجتماعات محلی حضور یافتند. هر گروه یک نماینده برای شرکت در گروه هماهنگی انتخاب می‌کرد، این گروه‌ها با هماهنگی شورایاران، ارتباط متقابل شهروندان را با سازمان‌های دولتی، غیردولتی و شورای شهر برقرار می‌کردند.

با تغییر ساختارهای گذشته بسیاری از الگوهای مشارکت اجتماعی و شبکه‌های حمایتی، قابلیت عملی بودن و پذیرش فرهنگی خود را از دست می‌دهد. با رشد سواد و شهرنشینی، افراد درگیر در یک مسئله‌ی اجتماعی علاقه‌مند هستند که در همه‌ی مراحل آن حضور داشته باشند و بدین ترتیب به الگوی دیگری از مشارکت توجه می‌شود. ساز و کارهای رسیدن به چنین الگوی کار جمعی، نیازمند درک جدیدی از مفاهیم سازمان، فرایند سازمان‌دهی و تسهیلگری، عمل اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی است.

اکنون سازمان‌های مختلفی در کشور وجود دارند که اعلام می‌کنند برنامه‌های پیشگیری از حوادث غیرمترقبه‌ای که می‌خواهند اجرا کنند، بر پایه‌ی مدیریت بحران و مبتنی بر اجتماع محلی طراحی شده است «CBDM». دو نمونه از این سازمان‌ها عبارتند از:

— مرکز مدیریت بحران شهر کرمان.

— ستادهای مدیریت بحران مستقر در شهر تهران.

بر اساس این برنامه‌ها پیشنهاد می‌شود که ابتدا جلسات توجیهی برای ساکنین محل برگزار شود، سپس داوطلبان دوره‌های کوتاه‌مدتی تحت عناوین زیر بگذارند:

— اصول و اهداف انجام پروژه.

— اصول و مبانی مدیریت بحران.

— امداد و کمک‌های اولیه در سوانح.

— مقاوم‌سازی عناصر سازه‌ای.

— عوامل تهیه‌ی نقشه‌ی مدیریت بحران مکان (عوامل بحران‌زا، بحران‌زدا، افراد کلیدی، افراد آسیب‌پذیر).

— نحوه‌ی تخلیه‌ی اضطراری و کاربری مدیریت بحران (پایگاه‌های پشتیبانی، کانتینر، مکان‌های تخلیه‌ی امن).

— شناخت بحران‌های پس از سوانح و رفتارهایی که باید در ۷۲ ساعت اولیه انجام داد.

— اصول و مبانی مقابله در برابر آتش‌سوزی‌ها.

— تمرین‌های اضطراری مدیریت بحران.

— آشنایی مقدماتی با تجهیزات امداد و نجات.

— حمایت روانی پس از بلایا.

و انتظار می‌رود که پس از این آموزش‌ها گروهی از داوطلبان بر اساس ساختار تعریف شده، سازمان‌دهی شوند.

چگونه می‌توان یک اجتماع محلی ایجاد کرد؟ برخی از پژوهشگران معتقدند به جای آن‌که از ایجاد یک اجتماع محلی گفت‌وگو کنیم، بهتر

است از تقویت کیفیت شبکه‌های اجتماعی مرتبط با آن سخن بگوییم. بنابراین عبارت «سرمایه‌ی اجتماعی» راه مفیدی برای ورود به بحث است. در حقیقت سرمایه‌ی اجتماعی برای احیا (زندگی در فضای عمومی) تلاش می‌کند؛ همان‌طور که سرمایه‌ی فیزیکی به موضوعات فیزیکی و سرمایه‌ی انسانی به مهارت‌ها و دانش فردی تعبیر می‌شود. سرمایه‌ی اجتماعی پیوندهای میان افراد را تعریف می‌کند. شبکه‌های اجتماعی، روابط متقابل و قابلیت اعتماد به یک‌دیگر، از مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی برمی‌خیزد.

در مطالعات دهه‌ی اخیر مثال‌های متعددی برای اهمیت سرمایه‌ی اجتماعی ذکر شده است. متخصصان کودک بر این باورند که مجموعه‌ای از شبکه‌های اجتماعی قوی، قابل اعتماد و با همکاری متقابل میان خانواده، مدرسه، گروه هم‌سالان و جامعه‌ی بزرگ‌تر می‌تواند فرصت‌های بهتری برای رشد کودک فراهم کند.

فضاهای عمومی که دارای امنیت، بهداشت و صمیمیت بیش‌تری است، در مناطقی قرار دارد که سرمایه‌ی اجتماعی آن بالاتر است. تحقیقات نشان می‌دهد که در مکان‌هایی که شبکه‌های اجتماعی رشد می‌کند و اعتماد وجود دارد، موفقیت‌های اقتصادی بیش‌تری به چشم می‌خورد، سرمایه‌ی اجتماعی می‌تواند اثرات مخرب وجود نداشتن مزیت‌های اقتصادی - اجتماعی را کاهش دهد. هم‌چنین شواهدی دال بر پیوندهای قوی بین سرمایه‌ی اجتماعی و سلامتی بهتر وجود دارد.

«همه‌ی زندگی اجتماعی، در دیدار و گرد هم آمدن معنا می‌شود.»

در حقیقت ایده‌ای محوری در این مفهوم وجود دارد، شبکه‌ی اجتماعی به عنوان یک دارایی باارزش به مردم این توان را می‌دهد که برای ساختن اجتماع خود احساس تعهد کنند، در تنیدن بافت اجتماعی

خود فعال شوند و حس قوی و رابطه‌ای مبتنی بر اعتماد و بردباری پدید می‌آورد. اعتماد میان افراد به اعتماد به غریبه‌ها هم تعبیر می‌شود و برای اعتماد داشتن به مواجهه‌ی چهره به چهره با افراد نیاز است، پس می‌توان نتیجه گرفت که به فعالیت‌هایی نیاز است که بتواند شبکه‌های موجود را که در یک محدوده‌ی مکانی یا بر اساس علایق مشترک وجود دارد تقویت کند. این مفهوم را می‌توان سازمان‌دهی اجتماع محلی یا تسهیلگری برای اجتماع محلی تعریف کرد.

چرا ما نیاز داریم که یک اجتماع محلی را سامان دهیم و مسیر ایجاد آن را تسهیل کنیم؟ ضرب‌المثلی قدیمی وجود دارد که می‌گوید «یک دست صدا ندارد». سازمان‌دهی اجتماعی کمک می‌کند که صداها و توان‌ها به یک‌دیگر افزوده شوند و به قدرت و تقویت یک موضوع بینجامند. در این مسیر افراد حس می‌کنند که می‌توانند با کار جمعی بر آرزوهای خود تأثیر بگذارند و باعث ایجاد تغییراتی شوند. این رویکرد طولانی‌مدت است و نباید انتظار داشته باشیم که افراد با شرکت در یک یا دو جلسه‌ی توجیهی مسئله‌ای را که قرار است پیرامون آن «کار جمعی» انجام دهیم و آن را مدیریت کنیم، باور کنند و به سرعت به آن توجه کنند. بنابراین باید راه‌هایی را جست‌وجو کنیم تا جامعه‌ی مورد نظر، آموزش و اطلاعات را به سهولت دریافت کند و فرصت‌ها و تریبون‌هایی را فراهم کنیم که عناصر جامعه‌ی محلی بتوانند دیدگاه‌های خود را درباره‌ی مهم‌ترین مسئله بیان کنند؛ برای انجام منسجم و منظم کار جمعی، رویکردهای متفاوتی وجود دارد.

در سازمان‌دهی اجتماعی سه نوع رویکرد متمایز را می‌توان تعریف کرد:

۱. توسعه‌ی محلی^۱: در این رویکرد تلاش می‌شود از طریق آگاه

کردن افراد و اعضای اجتماع نسبت به منافع خود، آنها را در ساختن جامعه مشارکت داد، عناصر مهم این فرایند، توسعه‌ی رهبری و آموزش‌هایی است که به مشارکت‌کنندگان داده می‌شود.

۲. فعالیت اجتماعی^۱: این رویکرد معمولاً توسط گروه‌هایی به‌کار برده می‌شود که در جست‌وجوی تغییر سیاست‌های نهادی برای تغییر در توزیع قدرت هستند. برای مثال گروه‌های طرفدار حقوق مدنی و جنبش‌های اجتماعی از این روش استفاده می‌کنند، در این رویکرد توسعه‌ی رهبری و دیدگاه‌های کارشناسانه به چالش گرفته می‌شود، آموزش غیررسمی اهمیت دارد، مهارت‌ها و اعتمادبه‌نفس تقویت می‌شود تا فرد به شهروندی فعال در زندگی اجتماعی تبدیل شود.

۳. برنامه‌ریزی اجتماعی^۲: این رویکرد معمولاً توسط نهادهای اجتماعی مانند شوراهای سلامت و رفاه و برنامه‌ریزان شهری استفاده می‌شود. از طریق روش‌های تکنیکی، تحلیل‌های سیستماتیک و تحقیقات برای حل مشکلات تلاش می‌شود و از کارشناسی و تخصص تقدیر به‌عمل می‌آید؛ در این روش رهبری نیز تا اندازه‌ای اهمیت دارد.

در سال ۱۳۸۶ سازمان آب منطقه‌ای کرمان با همکاری تیمی پژوهشی در جست‌وجوی راه‌حل‌هایی برای حفاظت از منابع آب زیرزمینی برای جلوگیری از بحران کم‌آبی بود. این تیم پژوهشی پس از مطالعه و تحقیق که با کمک انواع روش‌های تحقیق کمی و کیفی (مصاحبه‌های عمقی، مصاحبه با کارشناسان، جلسات پژوهش مشارکتی RDA (پژوهش عملی مشارکتی)^۳، ...) انجام داد به این نتیجه رسید که راه‌حل مسئله ایجاد یک «انجمن آب‌بران» است که بتواند نظارت جمعی و آموزش جمعی را با حضور همه‌ی ذی‌نفعان حوزه انجام دهد. اما نتیجه‌ی قابل توجه در این پژوهش این بود که ایجاد

1. Social Action

2. Social Planning

3. Participatory action research

«انجمن» آخرین حلقه‌ی فرایند است. به عبارت دیگر ایجاد «سازمان» مهم است، اما فرایند «سازمان‌دهی» بسیار مهم‌تر است. فرایندی که افراد در موضوع درگیر شوند و نسبت به مسئله‌ی «کم‌آبی» عمیقاً احساس خطر کنند، فرایندی که «منفعت فردی» با «منفعت جمعی» پیوند بخورد. یکی از راه‌های پیشنهادی برای این موضوع، یعنی درگیری در فرایند، برگزاری تریبون آزاد در ارتباط با موضوع، «آب» با همکاری همه‌ی کارشناسان، سازمان‌های دولتی و غیردولتی و آب‌بران بود. درعین حال چاپ کردن خبرنامه‌ای مستمر که بتواند آگاهی لازم را به ذی‌نفعان برساند، در زمره‌ی پیشنهادات قرار داشت. این فرایند زمان‌بر است اما متأسفانه برای کار اجتماعی «راه میان‌بر» وجود ندارد.

برای آن‌که بتوان مسیر فعالیت جمعی و ایجاد اجتماعی محلی را تسهیل کرد، نیازمند «کار اجتماعی» هستیم. کار اجتماعی فرایندی آموزشی تلقی می‌شود، در این فرایند فرصت‌هایی به‌وجود می‌آید تا مردم اهداف خود را مشخص کنند و آگاهی انتقادی، دانش و مهارت‌های خود را افزایش دهند و نگرش‌های خود را نسبت به موضوع بیان کنند. اجتماع محلی هم به عنوان واحدی اجتماعی نیاز دارد که از طریق کار اجتماعی شبکه‌های خود را بسازد، منابع خود را مشخص کند و هم‌چنین به قدرت لازم در جهت اهداف خود دست یابد و این امر شامل کمک به مردم است تا بتوانند تصمیم بگیرند و وارد عرصه‌ی عمل شوند و با استفاده از منابع درونی و بیرونی اجتماع خود، نیازهای‌شان را برطرف کنند و در حقیقت هدف کار اجتماعی ایجاد «مشارکت اجتماعی» است. به‌نظر می‌رسد مشارکت اجتماعی حداقل دو ارزش را دربر می‌گیرد:

۱. ارزش عدالت در تصمیم‌گیری: به این معنا که همه‌ی افراد ذی‌نفع در یک اجتماع، حرفی برای گفتن دارند که می‌تواند بر تصمیمات جمعی تأثیر بگذارد.

۲. ارزش آموزش: مردم می‌توانند از طریق مشارکت، آموزش ببینند. با این دیدگاه، کار اجتماعی بایستی به عنوان یک فعالیت آموزشی دیده شود و موقعیتی فراهم شود که تسهیلگری به عنوان یک وظیفه‌ی تمام‌وقت شناخته شود.

تسهیلگر اجتماعی

به عنوان یک تسهیلگر، من از «دنیایی که وجود دارد» شروع می‌کنم، «همان طور هست» نه «دنیایی که آرزو دارم» باشد.

ایجاد سازمانی اجتماعی نیاز به مهارت‌های اجتماعی دارد، این مهارت‌ها ذاتی نیست، به عبارت دیگر آموزشگری که در تلاش برای آموزش عمل جمعی و مشارکت است، قبل از هر چیز، خود باید بیاموزد.

در پی پیشنهاد الگوی «مدیریت بحران مبتنی بر مشارکت جامعه‌ی محلی» برای اجرای آن در شهر بم نیاز به افراد توانا و داوطلبی بود که بتوانند با جلب اعتماد فعالان محلی، هسته‌ی اولیه را پایه‌گذاری کنند. فرمانداری شهر در ابتدا تعهد کرد که هزینه‌ی آموزش و پاداش این داوطلبان را تقبل می‌کند، اما با استعفای فرماندار وقت و جایگزینی فرماندار جدید تعهد به کلی انکار شد، بنابراین انتخاب و آموزش تسهیلگران با یک بودجه‌ی محدود که توسط یکی از سازمان‌های غیردولتی تأمین شده بود، انجام شد. اما برای پرداخت پاداش، منبع مالی وجود نداشت. داوطلب بودن، موقعیتی نایاب در سرزمینی بود که بیش از ۳۰ درصد جوانان در سن اشتغال آن، بی‌کار و در عین حال نیازمند درآمد بودند.

در گام اول، شناخت جامعه‌ای که با آن کار می‌کنیم مهم است، لازم است پیشینه‌ی موضوعی را که قرار است افراد حول محور آن جمع شوند، بدانیم. برای شناخت تاریخ، جامعه و جغرافیای محیطی که قرار است با آن کار کنیم به حداقل ۲ تا ۳ ماه وقت نیاز داریم.

روش یادگیری یک تسهیلگر یا سازمان‌ده اجتماعی، مطالعه در کتاب‌خانه یا جست‌وجو در اینترنت نیست (هر چند که این دو روش نیز ارزشمند هستند). برای یادگیری بایستی از تماس چهره به چهره و آشنایی مستقل با افرادی که به موضوع مورد نظر علاقه دارند، شروع کرد. هدف اصلی این‌گونه دیدارها گوش دادن و جمع‌آوری اطلاعات است. سازمان‌ده باید یاد بگیرد که چگونه به علایق جامعه حساس شود و آن‌چه را آن‌ها به عنوان مشکل می‌شناسند، مشخص کند. در حقیقت ایجاد فرصت «شنیدن» یکی از دلایل مهمی است که باعث می‌شود سازمان‌دهنده تلاش کند تا افراد را به صورت جداگانه ملاقات کند.

تسهیلگران و سازمان‌دهندگان با تجربه می‌دانند که فرایند کار به‌ندرت شسته و رفته و آراسته است، قدم‌های غیرقابل پیش‌بینی‌ای وجود دارد، از سوی دیگر می‌توان این فرایندها را تا حدی دایره‌ای در نظر گرفت که با توجه به اصول، در یک دوره قابل تکرار است و فرایندی خطی نیست که اگر فرصتی از دست رفت یا به خوبی اجرا نشد مجدداً قابل تکرار نباشد.

همان‌طور که گفته شد، گام اول دسترسی به جامعه‌ی محلی و شناخت خوب چهره‌ها و افراد است. در گام دوم ایجاد گروه‌های کاری مهم است. در این گام معمولاً به تسهیلگر محلی پیشنهاد می‌شود:

* به افراد جداگانه سر بزنند و برای شرکت در گروه‌های کار (تیم عملیاتی امداد و نجات) آن‌ها را دعوت کند. هر کدام از این گروه‌های کار لازم است حداقل ۱۰ عضو فعال داشته باشند، در عین حال تعداد

زیاد اعضای هر گروه کار نیز مانع از تصمیم‌گیری می‌شود. لازم است فردی که یک تیم را هدایت می‌کند وقت، دقت، انرژی و اشتیاق کافی داشته باشد و از نگرش (من می‌توانم - من انجام می‌دهم) برخوردار باشد.

* بدون شک هدف از برقراری ارتباط مؤثر با جامعه و ایجاد گروه‌های کار «اجرای یک برنامه‌ی عملی» است. لذا ضروری است که تسهیلگر با مبانی کار خود و موضوع محوری آشنایی کامل داشته باشد. پس از آن گروه باید به صورت جمع (معمولاً به روش مشارکتی) مسئله و مشکل را تعریف کند و سپس روش‌ها و راه‌حل‌هایی را بررسی کند که می‌توانند مشکل را نشانه بگیرند و در جهت حل آن کمک کنند. برای آن‌که در این مسیر موفق شود، ابتدا باید کار را به قدم‌های کوچک‌تر و وظایف عملی‌ای بشکند که قابل مدیریت هستند.

* تسهیلگر بایستی همواره فرصت‌های مناسبی برای گرد هم آمدن گروه‌های کار فراهم کند تا در آن فرصت درباره‌ی زمان مناسب، مسئولیت‌ها و... گفت‌وگو شود و راه‌حل‌های واقعی، امکان‌پذیر و انعطاف‌پذیر به دست آید.

گام بعدی، به دست آوردن حمایت در اجتماع محلی است. چگونه می‌توان این حمایت را کسب کرد؟ برخی پیشنهادها عبارتند از:
* به درب خانه‌ها رفتن و جداگانه با افراد گفت‌وگو کردن و اهمیت موضوع را شرح دادن.

* شناسایی اعضای جامعه‌ی محلی که با نظر تسهیلگر موافقت دارند.
* تماس با افراد کلیدی جامعه‌ی محلی برای گفت‌وگو پیرامون مسئله‌ی مورد نظر.

* اعلام برنامه‌ی سخنرانی برای آشنایی بیشتر اعضای جامعه‌ی محلی با موضوع.

* شناسایی و دیدار مقامات رسمی که احتمالاً از ایده حمایت می‌کنند.

* درخواست مشاوره از مقامات رسمی.

* تقاضا از اعضای جامعه برای پیوستن به برنامه و گرفتن وظایف مشخص.

در گام بعدی ضرورت دارد که تسهیلگر اطمینان یابد که از عهده‌ی فعالیت خود برمی‌آید و می‌تواند سرعت و شتاب گروه را حفظ کند. برای این کار باید:

۱- وظایف بزرگ به وظایف کوچک تقسیم شود.

۲- اعضای تیم درگیر موضوع، به‌طور شفاف از روند کار مطلع باشند.

۳- اعضا بایستی مسئول و قابل اعتماد باشند و بدانند که در هر مرحله مردم چه نیازهایی دارند.

۴- افراد فعال، روی خط هدف و در جهت درست کار کنند.

مرحله‌ی اجرا

به نظر می‌رسد افراد فعال در گروه‌های کار، پس از آن‌که صاحب وظایف خاص شدند، تلاش می‌کنند که وظایف خود را اجرا کنند. هر بار که وظیفه‌ای اجرا می‌شود، گروه باید ارزیابی کند که آیا فعالیت به‌درستی انجام شده است؟ و آیا به نتایج مورد نظر دست یافته است؟

گروه باید همواره آماده باشد که قدم‌های بعدی را بردارد. با پایان یک وظیفه و یک فعالیت یا یک برنامه باید برنامه‌ی بعدی آغاز شود تا تغییراتی که در جامعه‌ی محلی شروع شده، حفظ شود. در نتیجه تصمیم‌گیری در آینده همیشه مهم است.

بنابراین در مرحله‌ی اجرا:

— فعالیت‌ها بایستی اولویت‌بندی شود.
 — موانع اجرایی برنامه، بررسی شود و اگر نمی‌توان مانعی را حذف کرد به جای آن گزینه‌ی دیگری انتخاب شود.
 — از دسترسی به منابع (نیروی انسانی، نقدینگی و مهم‌تر از همه اشتیاق برای پیشبرد کار) اطمینان حاصل شود.
 آخرین گام و در واقع مرحله‌ی نهایی «ارزیابی» است؛ تسهیلگر بایستی پس از اجرا، کار خود را مرور کند و مطمئن شود که از مسیر اصلی دور نیفتاده است. در این جا ضرورت دارد که یک برگه‌ی ارزیابی تهیه کند و ببیند که چه چیزهایی درست پیش رفته است و چه فعالیت‌هایی اشتباه انجام شده است و می‌توان چه درس‌هایی برای آینده آموخت.

برای مثال می‌توان این سؤالات را در مرحله‌ی ارزیابی طرح کرد:

— آیا این برنامه تفاوتی با دیگر برنامه‌ها داشت؟ چه تفاوتی؟

— آیا پیشرفتی در جهت هدف حاصل شد؟

— چه عواملی برای دسترسی به اهداف مهم است؟

— بزرگ‌ترین چالش‌ها و موانع برنامه چه بوده است؟

در ارزیابی برنامه‌ی عملی می‌توان سؤالات زیر را طرح کرد:

— آیا کار پایان یافته است؟

— چه چیزهایی لازم است تا کار به اتمام برسد؟

— چه بخش‌هایی از کار به خوبی انجام شده است؟

— چه بخش‌هایی را می‌توان بهتر انجام داد؟

فصل دوم

پیشنهاد یک برنامه‌ی اجرایی: همسایگان آماده باشید

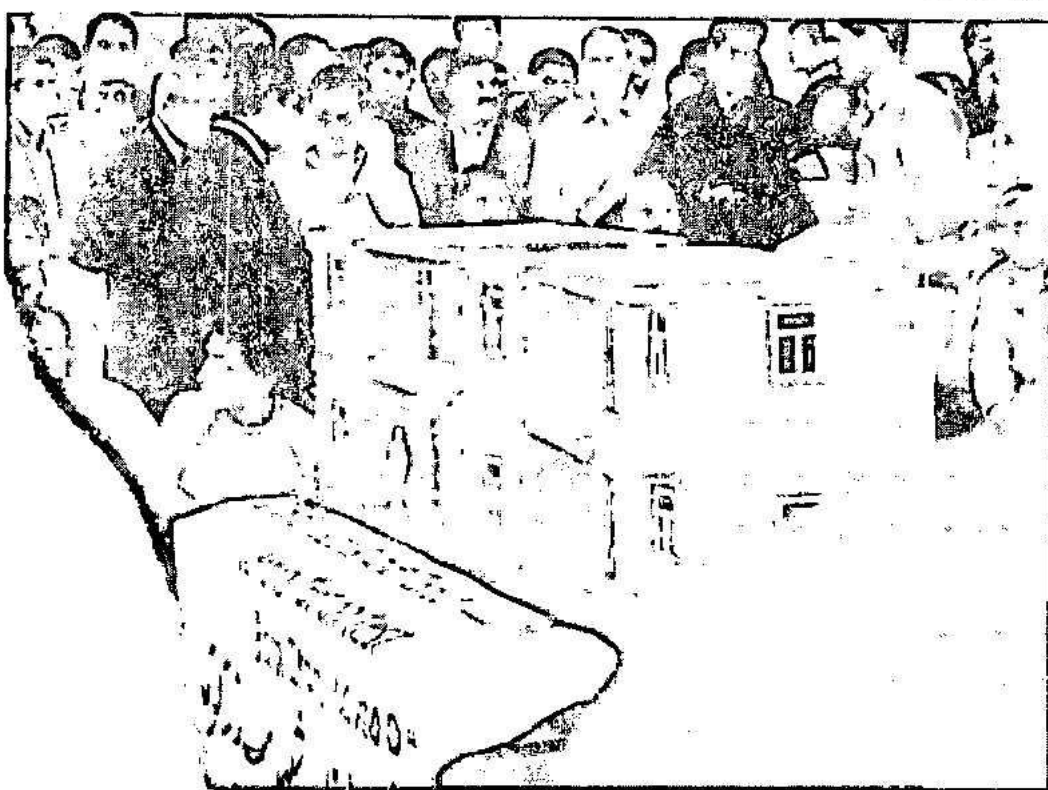
شروع یک برنامه تحت عنوان «همسایگان آماده باشید» ساده است، اما اگر همه می‌خواهند تلاش‌های‌شان موفقیت‌آمیز باشد باید برای تقبل مسئولیت و سازمان‌دهی در محله‌ی خود آماده باشند.

قدم اول: مشخص کردن تاریخ جلسات

در یک محله هر کسی که علاقه‌مند به موضوع آماده‌سازی افراد در مقابل حوادث است می‌تواند قدم اولیه را با برگزاری یک جلسه و تعیین تاریخ گردهمایی بردارد. هدف از جلسه، بحث کردن درباره‌ی خطرات و تهدیدات زلزله و هر حادثه‌ی طبیعی دیگری است که در منطقه رخ می‌دهد و این‌که افرادی که در همسایگی یک‌دیگر قرار دارند چگونه می‌توانند بهتر آماده شوند و با یک‌دیگر همکاری کنند.

جلسه زمانی تشکیل می‌شود که اکثر افراد می‌توانند، حضور پیدا کنند، اما سازمان‌دهنده نباید اجازه دهد که کشمکش‌های مربوط به زمان‌بندی، تلاش‌های او را برای برگزاری جلسه ناموفق کند.

سازمان‌دهنده باید تاریخ (روز و ساعت) را مشخص کند و تا آن‌جایی که امکان دارد بیش‌ترین اهالی محل را برای شرکت در جلسه تشویق کند. بعد از آن‌که روز و ساعت جلسه مشخص شد می‌توان یک برگه شامل نظرخواهی، پیرامون زمان و مکان پیشنهادی برای جلسات بعدی را میان افراد حاضر در جلسه توزیع کرد تا در آن مشخص کنند بهترین زمان و مکانی که می‌توانند در جلسات حضور یابند چه موقع و کجاست.



قدم دوم: با همسایگان تماس بگیرید

می‌توان افراد را از طریق دیدارهای شخصی با همسایگان به شرکت در جلسه تشویق کرد. این کار به عهده‌ی افرادی است که سازمان‌دهی و برنامه‌ریزی را بر عهده دارند. همراه با این کار می‌توانیم فرم‌های دعوت به جلسه را - که در آن زمان و مکان جلسه توسط افراد تعیین می‌شود -

نیز تنظیم کنیم. البته تماس شخصی انتخاب بهتری است، زیرا به برنامه‌ریزان این فرصت را می‌دهد تا خطرات و تهدیدها و بلاهای طبیعی که جامعه با آن روبه‌روست و اهمیت روزافزون آمادگی همسایگان در برابر آن را دارد، به دقت توضیح دهند.

این رویارویی مستقیم هم‌چنین به افراد برنامه‌ریز این امکان را می‌دهد که بر اکراه همسایگان غلبه کنند و آنان را به آمدن به جلسه تشویق کنند. برنامه‌ریزان می‌توانند در هنگام گفت‌وگو با همسایگان از عبارات زیر استفاده کنند:

— سلام، اسم من..... است. من در زندگی می‌کنم، اخیراً مطالبی را خوانده‌ام / شنیده‌ام که ما در کشورمان به طور متوسط هر ۲۰ سال یک بار یک زلزله‌ی بزرگ یا حوادثی از این نوع را تجربه می‌کنیم، اغلب ما در هنگام این تجربه‌ها تنها هستیم و کمک‌رسانی می‌تواند حداقل ۷۲ ساعت به طول انجامد.

— آیا شما آماده‌اید؟ من و تعدادی از همسایگان می‌خواهیم با روش‌هایی آماده شویم، ما فکر می‌کنیم بهتر است به عنوان یک گروه همسایگی سازمان‌دهی شویم. آیا شما کسی را می‌شناسید که در این همسایگی به ما کمک کند، آیا شما خودتان حاضرید به ما کمک کنید؟

— ما در حال برگزاری یک جلسه در تاریخ و ساعت و در هستیم تا بتوانیم به عنوان یک گروه همسایگی برای مقابله با حوادث طبیعی و آماده شویم. این جلسه در ساعت شروع می‌شود.

— آیا شما علاقه‌مند هستید در این جلسه شرکت کنید؟ اگر به این جلسه بیایید ما سپاس‌گزار خواهیم بود. شماره تلفن من است، به من زنگ بزنید و هر سؤال یا اطلاعاتی خواستید، پیرسید. متشکرم.

ممکن است سازمان‌دهندگان در شروع راه‌اندازی گروه همسایگی، برنامه‌های آماده‌سازی و مقابله با بلایای طبیعی با برخی عدم تمایل‌ها و مقاومت‌ها مواجه شوند. آنچه در زیر آمده است برخی راه‌های ممکن برای کاهش این مشکلات است:

- * اگر همسایه‌ای قصد شرکت ندارد تلاش کنید نگرانی‌هایش را بشناسید و آن‌ها را کاهش دهید و او را به حضور در جلسه دعوت کنید.
- * اگر همسایه‌ای اعلام کرد که می‌خواهد در جلسه شرکت کند، تلفن او را بگیرید و هنگام نزدیک شدن به تاریخ جلسه مجدداً با او تماس بگیرید و اگر جلسه به تأخیر افتاد یا لغو شد به او اطلاع دهید.
- * اگر کسی خانه نبود، آگهی را در داخل خانه بیندازید، به آدرس خانه توجه کنید و تلاش کنید در اولین فرصت مجدداً با این همسایه تماس بگیرید.

قدم سوم: یک جلسه را برنامه‌ریزی و هدایت کنید

بعد از این‌که برنامه‌ریزان جلسه با اهالی و همسایه‌ها صحبت کردند یا آن‌ها را از طریق آگهی مطلع کردند، بایستی برنامه برای جلسه، نهایی شود.

برنامه باید اهداف مشخصی داشته باشد تا بتواند در جلسه ارائه شود، برای آن‌که از احتمال برگزاری یک جلسه‌ی موفق اطمینان حاصل شود، برنامه‌ریز باید یک دستور جلسه تهیه کند و همسایگان به سمت آن اهداف هدایت شوند.

موارد زیر می‌تواند برخی از اهداف جلسه‌ی شما نیز باشد:

- * شناخت زلزله یا سایر حوادثی که می‌تواند برای جامعه‌ی همسایگی شما تهدیدکننده باشد.
- * توضیح اهمیت آماده شدن همسایگی برای مقابله با حوادث.

* تهیه‌ی فهرستی از ابزارها، تدارکات و لوازم در مجاورت و حدود همسایگی.

* ارزیابی و مشخص کردن مهارت افرادی که در همسایگی هستند.

* مشخص کردن تهدیدها و خطرات بلایای طبیعی در محل سکونت و محدوده‌ی زندگی.

سازمان‌دهندگان می‌توانند یک برگه‌ی اطلاع‌رسانی که توسط هلال احمر یا دفاتر مدیریت بحران منطقه‌ای تهیه شده است به آگهی و دعوت‌نامه‌ی خود الصاق کنند (این برگه باید درباره‌ی خطرات بالقوه‌ی زلزله و سایر حوادث که در ناحیه وجود دارد اطلاعاتی را دربر داشته باشد). این اطلاعات کمک می‌کند تا شما بتوانید آگاهی افراد را افزایش دهید و آن‌ها را متوجه کنید که خطرات می‌تواند تک‌تک ما را در این محله تهدید کند.

اهمیت آمادگی در مقابله با بلایای طبیعی را به عنوان یک مجموعه‌ی همسایگی توضیح دهید، احتمالاً بسیاری از مردم به تهدیدات حوادث طبیعی به‌طور جدی نمی‌اندیشند. آن‌ها احتمالاً این‌طور فکر می‌کنند که «آتش‌نشانی و پلیس خیلی زود این‌جا خواهند بود». در حالی که اگر یک زلزله یا حادثه‌ی دیگری در حد متوسط یا شدید اتفاق بیفتد، احتمالاً به سیستم حمل و نقل و راه‌ها، آسیب شدیدی وارد می‌شود و این باعث می‌شود که کمک‌رسانی برای روزهای زیادی به تعویق بیفتد. کمک گرفتن از مسئولان محلی و کارشناسان می‌تواند به روشن شدن مردم و آگاهی بخشیدن به آن‌ها کمک کند (در صورتی که در دسترس نباشند می‌توانید از بروشورها و مجلات کمک بگیرید).

فهرستی از ابزارها، تدارکات و لوازم مورد نیاز برای محله تهیه کنید.

چون ممکن است اهالی محل حداقل ۷۲ ساعت بعد از یک زلزله یا هر حادثه‌ی دیگری با سازمان‌های کمک‌رسان ارتباطی نداشته باشند.

سازمان‌دهنده باید در دستور جلسه فهرست مهارت‌ها، تدارکات و ابزارها را که لازم است، مشخص کند. این فهرست می‌تواند شامل یک خانه‌ی متحرک و موقت به عنوان مرکز هماهنگی محل باشد. چکش‌ها، میخ، تخته، لایی برای پوشاندن شیشه‌های شکسته، جعبه‌ی کمک‌های اولیه، وسایل پزشکی برای استفاده در اولین ساعات حادثه، اهرم بیل، دیلم، تبر، شیشه و سایر وسایلی که می‌تواند در جست‌وجوهای اولیه کمک کند، حتی کیسه‌های زیاله نیز مهم است (برای اطلاعات بیشتر با هلال احمر یا شهرداری منطقه تماس بگیرید).

افرادی که به صورت حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای در فعالیت‌های اطلاع‌رسانی (رادیو، تلویزیون، نشریات، اینترنت) کار می‌کنند می‌توانند در کار اطلاع‌رسانی و ارتباطات همکاری کنند و مهارت‌های همسایگان را ارزیابی و شناسایی کنند.

دانستن مهارت‌های همسایگان بسیار مهم است و این شناخت می‌تواند در موقعیت پس از زلزله یا سایر حوادث اضطراری مفید باشد. بایستی به خاطر داشته باشید همه می‌توانند مفید و مورد نیاز باشند. همسایگان با تجربیات مدیریتی می‌توانند یک تیم رهبری را تشکیل دهند (با استفاده از پرسش‌نامه می‌توانید اطلاعات لازم را کسب کنید).

کسانی که دارای تجربیات پزشکی هستند یا دوره‌های آموزشی ویژه‌ی اضطراری را در هلال احمر یا جاهای دیگر گذرانده‌اند می‌توانند قبل از رسیدن تیم‌های پزشکی حرفه‌ای، کمک کنند. همسایگانی که دارای مهارت‌های حرفه‌ای نظیر کار در ساختمان، معماری یا پیشینه‌ی فنی - مهندسی هستند، می‌توانند مکان‌های امنی را برای سکونت مشخص کنند. شهروندان مجهز به وسایل اطلاع‌رسانی می‌توانند وظایف دیگری بر عهده بگیرند.



سایر مواردی که بایستی در نظر گرفته شود

برنامه‌ریزان می‌توانند به موارد زیر توجه کنند، توجه به این موارد امکان موفقیت آن‌ها را در اولین جلسات گردهمایی افزایش می‌دهد:

- * علاوه بر تماس‌های رودررو و شخصی با همسایگان و توزیع دعوت‌نامه و آگهی، چاپ مقاله در روزنامه‌ی محلی و... را در نظر بگیرید.

- * قبل از جلسه به همسایگان فرصتی برای مرآوده و سلام و علیک با یک‌دیگر و آشنایی با متخصصین دعوت شده را بدهید.
- * در ابتدای جلسه یک معرفی کوتاه توسط شرکت‌کنندگان فرصتی را برای بیان علایق آن‌ها و حمایت از هدف‌های برنامه فراهم می‌کند.
- * مطالبی درباره‌ی آمادگی در مقابل خطرات حوادث و به‌ویژه زلزله برای مطالعه‌ی فوری آماده کنید، دسترسی به این مطالب به تقویت پیام

شما در جلسه کمک می‌کنند. معرفی خطراتی که محله‌ی شما با آن روبه‌روست و آمادگی جمعی و مشارکت همگانی برای مقابله با این خطرات اهمیت فراوان دارد.

سعی کنید تا حد امکان اطلاعات لازم نسبت به موضوع را از طریق کتاب‌خانه و دانشگاه‌های محلی و مراکز مرتبط برای جلسه فراهم کنید.

قدم چهارم: جلسات بعدی را پیگیری کنید

برنامه‌ریزان باید بعد از جلسه پرسش‌نامه‌های تکمیل شده به وسیله‌ی حضار را مرور کنند، سازمان‌دهندگان می‌توانند با استفاده از پرسش‌نامه‌ها یک کمیته‌ی برنامه‌ریزی تشکیل دهند. هم‌چنین پرسش‌نامه‌ها می‌تواند برای تعیین کردن نوع و مقدار ابزارها و لوازم و تدارکات استفاده شود.

رهبری برنامه

یک عامل کلیدی در اجرای برنامه‌ی آماده‌سازی و پاسخ‌گویی به وضعیت بحران، از طریق گروه‌های همسایگی رهبری است. از طریق جلسه و اطلاعاتی که در پرسش‌نامه به دست آمده، داوطلبان باید یک کمیته‌ی برنامه‌ریزی را تعیین کنند، کمیته‌ی برنامه‌ریزی تضمین خواهد کرد که مسئولیت برای اجرای پروژه‌ها میان اعضای گروه چگونه تقسیم خواهد شد تا بتوان به اهداف و مقاصد مورد نظر دست یافت.

کمیته‌ی برنامه‌ریزی باید یک سرگروه انتخاب کند تا برای اجرای برنامه‌ی قبل از وقوع حادثه با گروه رهبری و شاخه‌های هماهنگ‌کننده، همکاری کند. گروه رهبری بر فعالیت‌هایی که شاخه‌های هماهنگ‌کننده به بخش‌های آنها محول می‌کنند، نظارت دارد و شاخه‌های هماهنگ‌کننده بر تلاش‌های همسایگان عضو که در شاخه‌های مختلف مسئولیت به عهده گرفته‌اند، نظارت می‌کند. از جمله شاخه‌های

کمک‌های اولیه، شاخه‌ی جست‌وجو و امداد، شاخه‌ی ارزیابی خسارت و سایر شاخه‌ها هستند.

از آن‌جایی که یک پاسخ به موقع و مؤثر در حوادث نیازمند زیرکی است، کمیته‌ی برنامه‌ریزی باید قدرت تصمیم‌گیری و مشخص کردن اولویت‌ها را داشته باشد. زمانی که نمی‌توان به یک توافق دست یافت، واگذاری تصمیم به سرگروه مهم است. ضروری است که گزارشات توسط تعداد معدودی از افراد به سرگروه و شاخه‌های هماهنگی، داده شود. نظارت بر بیش از ۱۰ نفر در موقعیت زلزله سخت است. کمیته‌ی برنامه‌ریزی باید زنجیره‌ای از قواعد را تعیین، اجرا و حفظ کند که همه‌ی اهالی به آن احترام می‌گذارند.

تفویض اختیارات به افراد دارای منابع و مهارت

مروری بر پرسش‌نامه‌های تکمیل شده به وسیله‌ی همسایگان به گروه رهبری و سرگروه کمک خواهد کرد که بدانند چه منابع و مهارت‌هایی در دسترس است. برای مثال فردی با مهارت نجاری و داشتن ابزار می‌تواند خطرات حوادث را قبل از ورود گروه‌های امداد و نجات حرفه‌ای کاهش دهد و می‌تواند بعد از حادثه تعمیرات کوچکی را انجام دهد، کسی که در بخش اطلاع‌رسانی دارای امکاناتی باشد، می‌تواند تعداد مجروحان و خسارات پیش آمده را به مقامات محلی گزارش دهد.

ارزیابی نیازها

هم‌چنین کمیته‌ی برنامه‌ریزی، پرسش‌نامه‌هایی را که تدارکات لازم (ابزار و وسایلی که در دسترس است یا باید تهیه شود) در آن مشخص شده است بازبینی می‌کند، کمیته‌ی برنامه‌ریزی بایستی برای فراهم کردن

منابع اضافی امکانات زیر را در نظر بگیرد:

* دریافت هدایای مالی از مراکز کسب و کار محلی یا اهالی محل.

* جمع‌آوری کمک مالی از طریق فعالیت‌های محلی متنوع.

* جمع‌آوری پول از اعضای تیم.

کمیته‌ی برنامه‌ریزی هم‌چنین باید برنامه‌ای آماده کند تا مشخص کند چگونه هر همسایه بایستی آماده شود و به آن‌ها کمک کند که بتوانند برای کاهش خطرات، یک برنامه را پیش ببرند.

قدم‌های بعدی

با توجه به این‌که در این مرحله گروه مبتنی بر آمادگی همسایگان شکل گرفته است و گروه رهبری با برنامه‌ی آمادگی آشناست، ممکن است کمیته‌ی برنامه‌ریزی و سرگروه و گروه رهبری تمایل داشته باشند قدم‌های بعدی را بردارند.

مجموعه‌ی این قدم‌ها را می‌توان در مؤسسات گوناگونی که با این هدف خدمت می‌کنند یا منابعی که به صورت کتاب، بروشور و فیلم وجود دارد، جست‌وجو و این مراحل را با تیم همسایگی تمرین کرد. هر کدام از این تمرین‌ها می‌تواند برنامه‌ی آموزشی مناسبی برای جلسات همسایگی باشد (شماره‌های بعدی این مجموعه و پایگاه داده‌ها^۱ همراه با آن شما را یاری خواهد داد).

منابع بیش‌تر برای مطالعه

The group promoter's resource book, FAO 1994
Original text by Verona Groverman
http://www.hrdc-drhc.gc.ca-community_the_community_development_handbook_A_tool_to_build_community_capacity
<http://earthquake.usgs.gov/hazards/prepare.html>
www.adpc.net-pdr-sea
www.marinistitue.org/actio-packs/community
www.infed.org/guides/community
<http://pubs.usgs.gov/gip/2005>

— عبداللهی، مجید (مترجم) ۱۳۸۲. «نقش شهرداری‌ها در بازسازی خسارات بلایای طبیعی» نشریه‌ی شهرداری‌ها.

EDM, NCPDD, SEEDs, UNCRD, 2003

"Toward sustainable community Recovery": patank new life (PNY)

Oxfam, 2004, "Bam phase: Increasing community mitigation capacity in bam, IRAN, April –September 2004"

— کارگاه آموزشی مدیریت جامعه‌محور بحران، برگزارکنندگان: همیاران غذا، خانه‌ی تشکل‌های کرمان.

— گروه مردمی داوطلب واکنش اضطراری مردم.

tdmmo.tehran.ir/LinkClick.aspx?link=2167&tabid=19196...

www.ebtekarnews.com/Ebtekar/News.aspx?NID=38347

www.kdmc.ir/fa/index.php?option=com...id...

www.kermancity.ir/mods.php?id=News&file=article Sid=664

نشر قطره منتشر کرده است:

جایگاه آموزش در مدیریت بلایا

مبثنی بر اجتماعات محلی

انجمن دوستانان کودک کرمان

جامعه‌شناسی و مدیریت بحران

تجربه‌ی بیم

دکتر سیامت زند رضوی